يا ايها الناس اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة شيء عظيم

دینی باتیں کی کتاب کہ سال یکہزار دو صد و نود و یک ہجرت نبوی بعون خالق کون کتاب مستطاب مسمّٰی بہ

حجج الکرامة فی آثار القیامة

بعہد دولت مہد جناب نواب شاہجہان بیگم صاحبہ والیہ عالیہ ریاست بھوپال دام اقبالہا باہتمام راجی غفران محمد عبد المجید خان

در مطبع شاہجہانی واقع بلدۂ بھوپال بحلیۂ انطباع آراستہ شد

الله تعالی قبول نکرده و عمر در توکل بصبر و تسلیم و رضا و تقوی و طهارت بر وجه سنت مطهره و مذهب اهل سنت و جماعت کثرهم الله تعالی بسر برده حق تعالی و تقدس بعقب او کسی پیدا کرد که بمنصب جلیل امارت و دولت حکومت سید یعنی من سیحییر بجبره و مخفر را بدست مرحمت خود از ذل فقر بغیر شناو از حضیض ضلالت باوج هدایت از زبونی فرمان پذیری بشرف فرمان روائی بر داشت و مصالح جم غفیر و جمع کثیر را از عباد خود بدست وی سپرده باولاد و اموال و علوم و امتاع و مساکن و مراکب و مطاعم و مناکح و ملابس فاخره امداد فرمود لا احصی ثناء علیه هو کما اثنی علی نفسه امیدوارم که دنیای من مزرعه آخرت شود و این توالیف شرعیه من سبب نجات اخروی گردد و در باقیات صالحات معدود شود زینت این سپنجی سرا حجاب نعیم باقی اخروی نگردد و ما ذلک علی الله بعزیز

وصل سوم

و اما مولد وی و مظهر و مهاجر و مبایع و عمر او و وقت ظهور پس از علی مرتضی آمده که وی در مدینه منوره پیدا شود از اهل بیت رسول خدا صلعم و مهاجر او بیت المقدس باشد اخرجه نعیم بن حماد و شیخ علی متقی در رساله خود گفته که تولد او در مدینه مشرفه باشد و ظهور او در مکه مکرمه و هجرت او بسوی بیت المقدس و همانجا بمرگ خود بمیرد انتهی و قرطبی در تذکره خود گفته که مولدش ببلاد مغرب است و وی از آنجا براه دریا بیاید و برآمدن وی از مسجد اقصی هم گفته اند لیکن در منقول نظر است و سندش صحیح نشده و در ارشاد المسلمین گفته مولد وی در دهی باشد که آنرا کرعه گویند امام مستغفری در دلائل النبوة باسناد خود مثل آن از ابن عمر آورده و ابوبکر مقری گفته برآید از قریه که آنرا کرعه خوانند انتهی گویم برآمدن دیگرست و تولد دیگر و توربشتی در عقائد گفته که دهی بدین نام نشان نمیدهند مگر آنکه در زمان قدیم بوده باشد اکنون نامش متغیر شده و در آخر زمان باز همان نام مشهور گردد انتهی گویم ابو داود از ام سلمه در حدیث طویل آورده که فرمود آنحضرت صلعم یکون اختلاف عند موت خلیفة فیخرج رجل من اهل المدینة هاربا الی مکة الحدیث مراد باین رجل مهدی است و حدیث دالست بر آنکه برآمدن او هم از مدینه باشد چنانکه تولدش آنجا بود و پس مصیر بسوی مضمون این حدیث واجبست و باقی اقوال ساقط و ظهورش بالاتفاق در مکه مکرمه باشد و از آنجا انوار معدلتش تمام روی زمین را فرو گیرد و آنکه در حدیث ثوبان نزد احمد آمده اذا رایتم الرایات السود قد جاءت من قبل خراسان فأتوها فان فیها خلیفة الله المهدی پس علی قاری در مشرب وردی گفته مجیئها من قبل خراسان و کونه فیها لا ینافی ما تقدم من ان ظهوره فیما بین الرکنین فانه اما محمول علی اتیانه الی الحرم ثانیا او بالنسبة الی غیرهم او یکون حینئذ استقبلهم و دخل عسکرهم و یؤیده روایة احمد و الترمذی عن ابی هریرة تخرج من خراسان رایات سود فلا یردها شیء حتی تنصب بایلیا انتهی و بیعت او میان رکن و مقام شبیه ظهر شود بالاتفاق الشرعی این بیعت باکراه او باشد چنانچه در حدیث ام سلمه آمده مرفوعا فیاتیه ناس من اهل مکة فیخرجونه و هو کاره فیبایعونه بین الرکن و المقام الحدیث اخرجه ابو داود و مهاجر وی بیت المقدس است کما تقدم و مدینه منوره بعد هجرت او بسوی بیت المقدس ویران گردد و جای ماند و بوم و وحوش شود چنانکه در حدیث آمده عمران بیت المقدس خراب یثرب است کذا فی الاشاعة و عمر او نزد ظهور چهل سال بود و ذکره علی المتقی و غیره و ابو امامه گفته که فرمود رسول خدا صلعم مهدی از اولاد من است چهل ساله اخرجه ابو نعیم و عبد الله بن الحارث گفته بیرون آید مهدی و او در عمر چهل سالگی باشد گویا مردی از بنی اسرائیل است اخرجه نعیم بن حماد و محمد بن جعفر فرموده برآید مهدی از حجاز و بنشیند بر منبر دمشق و او هیجده ساله باشد اخرجه ایضا نعیم بن حماد و علی کرم الله وجهه روایت کرده که مبعوث شود